

مقاله پژوهشی: اقتصاد مقاومتی و اولویت‌بندی شرکای راهبردی ج.ا.ایران

حسین طالبی^۱، امید آسیابان^۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۲۵

چکیده

در روابط بین‌الملل عناصر خرد انگاره‌ای، ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و همچنین عناصر کلانی مانند قطب‌بندی و توزیع قدرت در نظام بین‌الملل نقش مهمی را ایفا می‌کنند، به گونه‌ای که تا حد زیادی بر سطح و نوع روابط بین دولت‌ها و همچنین بر الگوهای دوستی و دشمنی تأثیرگذارند. مجموعه این عوامل باعث شده است که انتخاب شریک راهبردی بسیار پیچیده شود؛ بنابراین سؤالی که مطرح می‌شود این است که چگونه در این محیط پیچیده می‌توان تصمیمی بهینه بر مبنای منافع ملی در انتخاب شریک راهبردی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در بستر اقتصاد مقاومتی اتخاذ نمود؟ پژوهش حاضر تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی و اولویت‌بندی شرکای راهبردی ج.ا.ایران» درصدد است تا با در نظر گرفتن مجموعه‌ای از شاخص‌ها با استفاده از روش‌های تصمیم‌گیری به رتبه‌بندی کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به منظور توسعه تعاملات بپردازد. این روش‌ها به تصمیم‌گیرندگان کشور کمک می‌کند به نحوی شریک راهبردی جمهوری اسلامی ایران را انتخاب کنند تا حداکثر منافع ملی حاصل شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بر اساس شاخص‌های بررسی‌شده، کشور چین در اولویت توسعه روابط قرار دارد.

کلید واژه‌ها: شریک راهبردی، اقتصاد مقاومتی، اولویت‌بندی، تصمیم‌گیری، توسعه روابط.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، نویسنده مسئول Talebi931@ut.ac.ir

۲. دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

مقدمه

از آغاز انقلاب اسلامی تا دوره کنونی، انتخاب شریک راهبردی در ابعاد اقتصادی و سیاسی، یکی از موضوعات مورد توجه برای بسیاری از گروه‌های سیاسی داخلی و همچنین قوای مقننه و مجریه در نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است. برخی از این گروه‌های سیاسی مانند اصلاح‌طلبان معتقدند که برای توسعه ساختارهای اقتصادی نیازمند برقراری روابط با کشورهایی مانند ایالات متحده آمریکا یا اتحادیه اروپا هستیم. از طرفی گروه مقابل بر این باورند که برای توسعه نیازمند خودباوری هستیم و روابط دیپلماتیک سیاسی و تجاری باید در چهارچوب ارزش‌های انقلاب اسلامی باشند؛ بنابراین عصر حاضر، عصری پرچالش، با روابطی درهم‌تنیده، مهم از لحاظ سیاسی و اقتصادی است و کشورها نیز برای کاستن، فرار و یا رفع این چالش‌ها و از طرفی بهبود و افزایش قدرت خود در مناسبات بین‌المللی از لحاظ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیازمند تعاملات و ارتباطات با سایر کشورها هستند. قدرت‌های نوظهوری مانند چین و هند نیز توانسته‌اند خود را به‌عنوان قدرت‌هایی نوظهور مطرح کنند. به‌عنوان مثال گسترش ارتباطات چین و تعاملات تجاری این کشور با سایر کشورهای جهان از جمله آمریکا سبب نوعی توازن قدرت بین این دو کشور شده است، تا حدی که آمریکا را واداشته است تا سیاست‌های کترلی را در قبال این کشور اعمال کند. به عبارتی خیزش چین به‌عنوان قدرتی بزرگ در منطقه و جهان، قدرت هژمونی آمریکا را به چالش کشیده است (امام جمعه‌زاده و میکوشش، ۱۳۹۲: ۷۶). بررسی ابعاد روابط چین با نظام بین‌الملل این واقعیت را روشن می‌سازد که این کشور برنامه‌های راهبردی خود را مبتنی بر سه مرحله قرار داده است و بر اساس آن شرکای راهبردی خود را انتخاب می‌کند. این فرآیند سه‌مرحله‌ای شامل تعیین منافع امنیتی حیاتی دولت و شناسایی تهدیدات این منافع و تصمیم‌گیری درباره این عامل است که چگونه به بهترین شکل منابع دیپلماتیک و نظامی و اقتصادی دولت را می‌تواند برای حفاظت از آن منافع به کار گیرد (لین-جونز^۱، ۱۹۹۷: ۸۶). به‌عنوان مثالی دیگر هند با اتخاذ یک راهبرد موازنه‌گرایی در تعاملات تجاری خود و با کاهش نقش ایدئولوژی در سیاست خارجی خود، زمینه تحول در روابط خود با سایر

کشورها را فراهم کرده و توانسته شرکای راهبردی مناسبی را جهت توسعه خود انتخاب کند (سیبر و بهرامی مقدم، ۱۳۹۴: ۲۰).

علاوه بر این کشوری نظیر آمریکا نیز از این قاعده مستثنا نیست و با آنکه خود را کشوری قدرتمند می‌داند، در عرصه پیچیده بین‌المللی، در زمینه‌های مختلف سعی در انتخاب شرکای راهبردی خود دارد. به نحوی که استراتژیست‌های آمریکایی رقابت با قدرت‌های نوظهور در عرصه بین‌الملل را به‌عنوان یکی از اولویت‌های سیاست خارجی این کشور مطرح کردند و بر این اساس دولت ایالات متحده آمریکا جهت مقابله با چین، هندوستان را در منطقه به‌عنوان شریکی راهبردی انتخاب کرده است تا از طریق کشور هندوستان بتواند قدرت نظامی و اقتصادی چین را تا حدودی کنترل کند و از شتاب فزاینده آن بکاهد.

جمهوری اسلامی ایران نیز برای دستیابی به این مهم در شرایط پیچیدگی سیستم بین‌الملل نیازمند ارتباطات بین‌المللی به‌عنوان یک ضرورت جهت دستیابی به منافع است و در سطح وسیع‌تر، به‌صورت قاطعانه و بلندمدت‌تر می‌بایست به‌منظور پیشبرد راهبرد خود در منطقه و جهان، شرکای استراتژیک را انتخاب نماید، به‌گونه‌ای که با انتخاب شریک استراتژیک مناسب می‌تواند با اعتماد بیشتری در مناسبات بین‌المللی ظهور یابد، لذا با توجه به مسائل مطرح‌شده در فوق، این پژوهش با استفاده از رویکرد روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه و با توجه به شاخص‌های ارزیابی برنامه‌های اقتصاد مقاومتی (نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۹۴) به دنبال اولویت‌بندی و انتخاب بهترین شریک استراتژیک در چهارچوب برنامه‌های اقتصاد مقاومتی است.

اقتصاد مقاومتی مفهوم جدیدی است که با تشدید تحریم‌های غرب علیه اقتصاد ایران موضوعیت پیدا کرده و به تعبیری عبارت از مجموعه تدابیر مدیریتی جهت حداقل آسیب‌پذیری اقتصاد ایران در برابر ریسک‌های متعدد داخلی و خارجی است. اقتصاد مقاومتی بحث نظری جدیدی نیست کما اینکه در آلمان و ژاپن نیز چنین برنامه‌هایی بر مبنای ساختارهای اقتصادی آن کشورها به اجرا درآمده؛ بلکه در ایران بحث مدیریتی جدیدی است که هر کشوری با توجه به وضعیت و مشکلات اقتصاد خود باید اتخاذ کرده

و به کار گیرد (سیف، خوشکلام و خسروشاهی، ۱۳۹۲: ۱۸۱). با ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، انگیزه دوجندانی فراهم شده است تا با استفاده از خط‌مشی‌های کلی در این سیاست‌ها، نظام اقتصادی متکی به دانش و فناوری، عدالت‌بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو محقق شود و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام عینیت یابد (خوانساری و قلیچ، ۱۳۹۴: ۹۱).

بنابراین در این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال هستیم که با توجه به ابلاغ برنامه اقتصاد مقاومتی و با توجه به معیارهای آن، کدام کشورها تناسب بیشتری با شاخص‌های اقتصاد مقاومتی دارند و همچنین به اولویت‌بندی این کشورها جهت توسعه روابط و اجرای صحیح‌تر این برنامه متناسب با نیازهای داخلی پردازیم. اولییتی که تصمیم‌گیرندگان کشور در سطح کلان را یاری می‌کند تا متناسب با برنامه ابلاغ‌شده، برنامه‌های راهبردی را تنظیم کنند.

پیشینه‌شناسی پژوهش

اسفندیاری صفا و دهقان در مقاله‌ای با عنوان «مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)» به این سؤال پاسخ داده‌اند که مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه فرماندهی کل قوا چیست؟ این پژوهش از نوع کاربردی است و در آن از روش داده‌بنیاد استفاده شده است. مجموعه بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) از سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۴ به عنوان جامعه آماری مورد توجه قرار گرفته است. سپس با استفاده از داده‌ها و مصاحبه‌های میدانی، نوعی مدل و الگو بر اساس تحلیل‌ها استخراج شده است. طبق نتایج این پژوهش، ۲۷ شاخص کلیدی احصا شده است.

میلانی در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد مقاومتی و خودباوری ملی، فرصت‌ها و چالش‌های تحقق آن» به مزیت‌های این اقتصاد مانند کاهش وابستگی و مزیت‌های داخلی آن اشاره کرده است. در این پژوهش تلاش شده است به رابطه میان شاخص‌های اقتصاد مقاومتی و خودباوری ملی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت ملی پرداخته شود. علاوه بر این نویسنده به آسیب‌شناسی اقتصاد مقاومتی در حوزه عملیاتی نیز اشاره کرده است

رنجبر اردکانی در مقاله‌ای با عنوان «موانع تحقق اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران» به نقش تحریم‌های اقتصادی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. هدف و دغدغه این پژوهش چیستی موانع پیش روی راهبرد اقتصاد مقاومتی است. در این پژوهش تلاش شده است با استفاده از روش‌های کمی به موانع موجود از نظر نخبگان سیاسی پرداخته شود.

نمایان و علی میر در مقاله‌ای با عنوان «ترسیم مدل بومی سرمایه اجتماعی برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی» با روش کیفی نظریه داده‌بنیاد تلاش کرده‌اند با استفاده از ابزارهای مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با افراد آگاه اقدام به نمونه‌گیری کنند.

بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که عمده پژوهش‌ها در راستای مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی توجه داشته و از بررسی نقش اقتصاد مقاومتی در انتخاب یک شریک راهبردی جهت توسعه روابط غافل بوده‌اند که این پژوهش در راستای پر کردن این خلأ پژوهشی به اولویت‌بندی کشورهای مختلف پرداخته است.

تعریف مفاهیم

شاخص‌ها و مفاهیم ارزیابی برنامه‌های اقتصاد مقاومتی مطابق مصوبه ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی به‌عنوان معیارهای بررسی در این پژوهش در نظر گرفته شده‌اند که در ذیل به تعدادی از این شاخص‌ها اشاره می‌شود.

شاخص رقابت‌پذیری جهانی^۱: این شاخص ابزاری است جامع برای اندازه‌گیری اصول بنیادین اقتصاد خرد و کلان که در مورد رقابت بین کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد و توان رقابت اقتصادی و توانایی کشورها در تأمین رفاه برای شهروندانش را مشخص می‌کند. بر اساس گزارش سالانه مجمع جهانی اقتصاد، کشورهای سوییس، سنگاپور، فنلاند و آلمان به ترتیب چهار کشور برتر در این شاخص هستند و ایران رتبه ۸۲ را دارد (میراحسنی، ۱۳۹۲: ۱۰۸).

حجم تجارت^۱: منظور از حجم تجارت میزان مبادلات اقتصادی و تجاری میان دو کشور است که دربرگیرنده تمامی موافقت‌نامه‌های تجاری، قراردادهای اقتصادی و همچنین صادرات و واردات نیز می‌شود.

شاخص آسانی انجام کسب‌وکار^۲: شاخصی است که توسط بانک جهانی ایجاد شده و نشان‌دهنده مقررات بهتر، معمولاً ساده‌تر، برای کسب‌وکارها و حمایت‌های قوی‌تر از حقوق مالکیت خصوصی است.

شاخص کارآفرینی^۳: یک نماگر تألیفی است که سلامت اکوسیستم کارآفرینی در یک کشور را از طریق اندازه‌گیری کیفیت کارآفرینی و میزان عمق پشتیبان‌های اکوسیستم کارآفرینانه ارزیابی می‌نماید. مؤسسه توسعه جهانی کارآفرینی ۱۴ مؤلفه را در سطح فردی و نهادی در سلامت کارآفرینی معرفی کرده است که شامل درک فرصت، مهارت راه‌اندازی کسب‌وکار، پذیرش ریسک، شبکه‌سازی، پشتیبانی فرهنگی، کسب‌وکار نوپا مبتنی بر فرصت، جذب فناوری، سرمایه انسانی، رقابت، نوآوری محصول، نوآوری فرآیند، رشد بالا، بین‌المللی‌سازی و سرمایه ریسک می‌شود (گزارش جهانی کارآفرینی، ۲۰۱۸: ۲۰).

شاخص رقابت‌پذیری گردشگری: مجمع جهانی اقتصاد بر اساس چهار مؤلفه اصلی شامل توانمندسازی محیط، سیاست گردشگری، زیرساخت‌ها و منابع طبیعی و فرهنگی، شاخصی را ارائه می‌کند که تحت عنوان شاخص رقابت‌پذیری گردشگری نامیده می‌شود (ایمانی خوش‌خو، ۱۳۹۳: ۵).

شاخص اقتصاد دانش‌بنیان^۴: این شاخص ابزاری برای مقایسه کشورها در زمینه پیشرفت اقتصادی مبتنی بر دانش به شمار می‌رود و به کشورها کمک می‌کند تا چالش‌ها و فرصت‌ها را در راه رسیدن به اقتصاد دانش‌بنیان شناسایی کنند.

-
1. Volume of trade
 2. Ease of doing business index
 3. global entrepreneurship index
 4. Knowledge economy index

شاخص نوآوری جهانی^۱: شاخصی است که توسط مدرسه کسب‌وکار جهانی تهیه شده است و این شاخص دسته‌ای از اطلاعات را برای ما شناسایی کرده و روندهای نوآوری جهانی را تحلیل می‌کند. موضوع اصلی شاخص نوآوری جهانی، تعیین سیاست‌های نوآورانه مؤثر برای توسعه اقتصادی است (داتا و همکاران، ۲۰۱۴).

شاخص ادراک فساد^۲: شاخصی است که رتبه فساد در بخش عمومی یک کشور را در میان سایر کشورهای جهان نشان می‌دهد. سازمان شفافیت بین‌الملل، با استفاده از شاخص ادراک فساد، کشورها را برحسب میزان فساد موجود در میان مقامات دولتی و سیاستمداران رتبه‌بندی می‌کند.

مجموعه این شاخص‌ها و سایر شاخص‌هایی که در جدول ۱ نیز به آن‌ها اشاره شده است، در بررسی و اولویت‌بندی کشورها جهت انتخاب یک شریک راهبردی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی کشور تأثیرگذارند که این عوامل توسط خبرگان انتخاب شده‌اند. مروری بر تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر تجارت ایران با سایر کشورها نیز نشان می‌دهد برقراری اقتصاد مقاومتی متناسب با ساختارهای کشور، اثری منفی اما کوچک را بر دادوستد شرکای راهبردی خواهد گذاشت و بنابراین اهمیت انتخاب یک شریک راهبردی مناسب را برای کشور بیش از پیش نشان می‌دهد (مرادی، ۱۳۹۸: ۵).

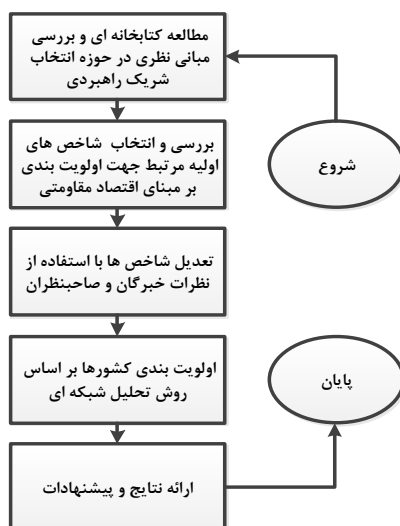
روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق باید بر اساس یکی از روش‌های پذیرفته‌شده علمی با ذکر مراحل و گام‌های آن باشد.

تحقیق پیش رو از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، تجربی-پیمایشی است. جامعه مورد مطالعه در این تحقیق را صاحب‌نظران و اساتید روابط بین‌الملل دانشگاه‌های کشور تشکیل می‌دهند که به‌منظور بررسی و انتخاب مؤلفه‌های تأثیرگذار در شریک راهبردی ایران در بستر شاخص‌های اقتصاد مقاومتی مورد نظرسنجی قرار گرفته‌اند. با توجه به

مطالعات صورت گرفته مرتبط، اگر پنج خبره اقدام به تکمیل پرسش‌نامه روش‌های چندمعیاره کنند، نتایج از اعتبار خوبی برخوردار است، در صورتی که در این نمونه‌گیری از ۱۱۸ نفر از خبرگان نظرسنجی شده است.

بنابراین شاخص‌های مورد نظر در این پژوهش از سیاست‌های کلی مرتبط با اقتصاد مقاومتی و برگزاری جلسات با خبرگان دانشگاهی و کارشناسان مربوطه گردآوری شده است که در مرحله نخست کلیه شاخص‌هایی که مرتبط با انتخاب شریک راهبردی ایران در بستر اقتصاد مقاومتی بودند، از منابع لازم جمع‌آوری شدند (نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۹۴) و سپس در مرحله دوم با استفاده از نظرسنجی صورت گرفته با استفاده از روش پرسش‌نامه‌ای و مصاحبه بر اساس نظرات خبرگان، شاخص‌های ارزیابی برنامه‌های اقتصاد مقاومتی به شاخص‌های کلی مرتبط با اقتصاد مقاومتی و همچنین زیرشاخص‌ها تقسیم شده‌اند. البته شایان ذکر است که بر مبنای نظرات خبرگان، مهم‌ترین شاخص‌های اقتصاد مقاومتی که در اولویت‌بندی شرکای راهبردی جمهوری اسلامی ایران مؤثر هستند، در این پژوهش لحاظ شده‌اند. منظور از زیرشاخص‌ها در اینجا دستیابی به موارد عینی‌تری است که در محاسبات شاخص‌های کلی نقش قابل توجهی ایفا می‌کنند. برای مثال شاخص کلی کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی زمانی قابل محاسبه است که بتوان از طریق زیرشاخص‌هایی مانند کاهش صادرات نفتی و افزایش صادرات غیرنفتی در جهت کاهش این آسیب‌پذیری‌ها گام برداشت و به عبارتی این زیر شاخص‌ها به‌عنوان مبنایی جهت ارزیابی شاخص اصلی قرار می‌گیرند. در ادامه با استفاده از روش تحلیل شبکه‌ای که یکی از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره است، اقدام به اولویت‌بندی شرکای راهبردی متناسب با شاخص‌های اقتصاد مقاومتی شده است. مراحل انجام پژوهش در شکل ۱ و شاخص‌های انتخاب‌شده توسط خبرگان در جدول ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱: مراحل انجام پژوهش

جدول ۱: شاخص‌ها و زیرشاخص‌های انتخاب‌شده توسط خبرگان

ردیف	شاخص‌های ارزیابی برنامه	زیرشاخص‌ها	شناسه
۱	کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد	کاهش صادرات نفتی، افزایش صادرات غیر نفتی و واردات	Q1
۲	افزایش انعطاف‌پذیری اقتصاد	سرمایه‌گذاری ایران در خارج، سرمایه‌گذاری خارج در ایران و شاخص رقابت‌پذیری جهانی	Q2
۳	پیشبرد برون‌گرایی اقتصاد (توسعه صادرات غیر نفتی)	حجم تجارت (صادرات و واردات) سرمایه‌گذاری ایران در خارج، سرمایه‌گذاری خارج در ایران و ترانزیت	Q3
۴	ارتقای توان تولید ملی (درون‌زایی اقتصاد)	شاخص سهولت انجام کسب‌وکار شاخص کارآفرینی، شاخص توسعه مالی شاخص رقابت‌پذیری در گردشگری	Q4
۵	توسعه اقتصاد دانش‌بنیان	شاخص اقتصاد دانش‌بنیان شاخص نوآوری جهانی شاخص دستیابی به فناوری شاخص عملکرد رقابت صنعتی	Q5
۶	شفاف‌سازی و سالم‌سازی اقتصاد	شاخص ادراک فساد شاخص توسعه دولت الکترونیک شاخص بین‌المللی حکمرانی	Q6
۷	توسعه ظرفیت تولید نفت و گاز و تکمیل زنجیره پایین‌دستی و توسعه بازار	سهم برندهای جهانی در سرمایه‌گذاری پالایش و پتروشیمی	Q7
۸	مردمی کردن اقتصاد	سهم اشتغال بخش خصوصی از کل اقتصاد کشور شاخص درجه تمرکز بازار در فعالیت‌های اقتصادی واگذاری طرح‌های عمرانی به بخش خصوصی	Q8

جامعه آماری و نمونه پژوهش

جامعه آماری در پژوهش شامل کلیه عوامل و افرادی است که در یک مقیاس جغرافیایی معین از یک یا چند مشخصه مشترک برخوردار باشند. جامعه آماری این پژوهش شامل اساتید گروه روابط بین‌الملل و علوم سیاسی در دانشگاه‌های سطح شهرستان تهران است که با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته در سطح دانشگاه‌های تهران، ۱۷۰ عضو هیئت‌علمی، تمام‌وقت در گروه‌های آموزشی روابط بین‌الملل و علوم سیاسی مشغول به کار بودند. بر این اساس با توجه به فرمول نمونه‌گیری کوکران و با توجه به جامعه آماری ۱۷۰ نفره در سطح خطای ۵ درصد، باید از ۱۱۸ نفر به صورت نمونه پرسش به عمل می‌آمد تا نتایج تحقیق قابل اتکا باشد؛ بنابراین با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی در دسترس، پرسش‌نامه‌های این پژوهش توزیع و جهت بررسی نتایج جمع‌آوری شدند.

تصمیم‌گیری چندمعیاره

تصمیم‌گیری با معیارهای چندگانه مبحثی است که به فرآیند تصمیم‌گیری در حضور معیارهای متفاوت و بعضاً متناقض با یکدیگر می‌پردازد (کولسون و دبروین، ۱۹۸۹: ۱۲). وسعت مدل‌های تصمیم‌گیری باعث شده است که دسته‌بندی‌های مختلفی برای آن‌ها ارائه شود و شناخت ساختارهایشان را ساده‌تر کند. این دسته‌بندی‌ها بیشتر بر ماهیت و همچنین کارکرد مدل‌های مختلف تکیه دارند و بر اساس همین شاخص‌ها، آن‌ها را در دسته‌های مختلف جای می‌دهند (امیری و فراهانی، ۱۳۹۵: ۵).

زمانی ما با تصمیم‌گیری چندمعیاره روبه‌رو می‌شویم که در امر تصمیم‌گیری با بیش از یک معیار مواجه شویم و این بحث زیرشاخه‌ای از تحقیق در عملیات^۲ و تصمیم‌گیری^۳ می‌باشد. تصمیم‌گیری با معیارهای چندگانه در رشته‌های گوناگونی از جمله ریاضیات، نظریه تصمیم‌گیری رفتاری، اقتصاد، تکنولوژی رایانه، مهندسی نرم‌افزار، سامانه‌های اطلاعاتی و ... کاربرد دارد (ویستروف و همکاران، ۲۰۰۵).

1. Colson and de Bruyn
2. OR: operation research
3. Decision Making

«تصمیم‌گیری‌های چندمعیاره» به دو گروه کلی تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از:

الف: تصمیم‌گیری‌های چندهدفه؛^۱

ب: تصمیم‌گیری‌های چند شاخصه (مؤمنی، ۱۳۸۹: ۵).

روش اجرای این مقاله که از نوع تصمیم‌گیری چندشاخصه است، رتبه‌بندی چندین گزینه با داشتن چندین شاخص است. انتخاب بهترین گزینه از میان گزینه‌های موجود بر اساس معیارها و مشخصه‌های داده‌شده انجام می‌پذیرد. در این نوع مسائل با یک‌سری گزینه‌های گسسته روبه‌رو هستیم و درصدد انتخاب گزینه‌های برتر هستیم (اصغرپور، ۱۳۷۷). برخی محققان مانند هوانگ و یوون این نوع مسائل را به اختصار، مدل‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه^۲ نام‌گذاری کرده‌اند.

در تصمیم‌گیری چندشاخصه به‌منظور تعیین و دستیابی به مشخصه‌ها، از قضاوت خبرگان استفاده می‌شود. برای دستیابی به این هدف روش‌های متعددی مانند روش‌های طوفان فکری، فکرنویسی، سینگتیکز، دلفی و ... توسعه یافته‌اند (محمدمرادی و اخترکاو، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

روش تحلیل شبکه‌ای

روش تحلیل شبکه‌ای در اصل تعمیم روش تحلیل سلسله‌مراتبی^۳ است، این روش اولین بار توسط ساعتی در سال ۱۹۹۷ میلادی مطرح شد. در مواردی که سطوح پایینی روی سطوح بالایی اثر بگذارند یا عناصری که در یک سطح قرار دارند، مستقل از هم نباشند (اثر متقابل بر روی هم داشته باشند)، دیگر نمی‌توان از روش تحلیل سلسله‌مراتبی استفاده کرد. به همین دلیل ساعتی روش تحلیل شبکه‌ای را مطرح کرد. روش تحلیل شبکه‌ای شکل کلی‌تری نسبت به روش تحلیل سلسله‌مراتبی دارد، اما به ساختار سلسله‌مراتبی آن نیاز ندارد و در نتیجه روابط پیچیده‌تر بین سطوح مختلف تصمیم را به‌صورت شبکه‌ای نشان می‌دهد و تعامل‌های میان شاخص‌ها و آلترناتیوها را در نظر می‌گیرد. اولین بار، ساعتی و غلام‌نژاد در سال ۱۹۸۲ میلادی از روش تحلیل

شبکه‌ای برای تعیین ترکیب مناسب منابع انرژی کشور آمریکا و اولویت‌بندی آن‌ها استفاده کردند (امیری، دارستانی، ۱۳۹۲: ۱۷).

مراحل اجرای روش تحلیل شبکه‌ای

گام اول: ابتدا مدل مسئله را سازمان‌دهی و رسم می‌کنیم، به صورتی که روابط بین عناصر منطقی و قابل تحلیل باشد. این مدل‌سازی در شکل ۲ نشان داده شده است.

گام دوم: پس از رسم مدل و مشخص کردن روابط بین عناصر، ماتریس‌های مقایسات زوجی را تشکیل می‌دهیم و مقایسات زوجی را انجام می‌دهیم. در مدل تحقیق حاضر ماتریس مقایسات زوجی شامل سه دسته ماتریس می‌شود:

۱. ماتریس مقایسات زوجی هریک از زیرمعیارها نسبت به هدف؛

۲. ماتریس مقایسات زوجی هریک از زیرمعیارها نسبت به گزینه‌ها؛

۳. ماتریس مقایسات زوجی هریک از گزینه‌ها نسبت به زیرمعیارها.

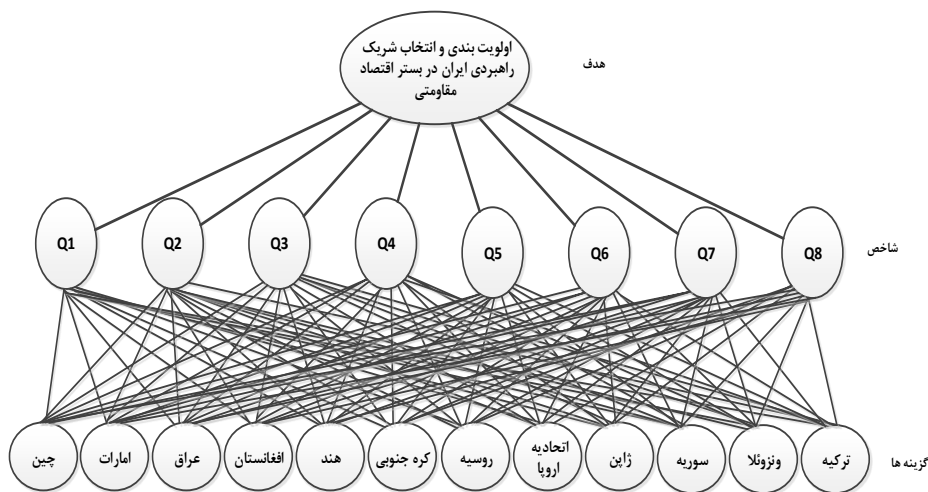
گام سوم: تشکیل سوپرماتریس (ابرماتریس)

این ماتریس از انجام مقایسات زوجی به دست می‌آید. در واقع هریک از ستون‌های سوپرماتریس حاصل از مقایسات زوجی انجام‌شده در هریک از ماتریس‌های گام قبل است. گام چهارم: به دست آوردن ماتریس وزنی نهایی.

پس از اینکه سوپرماتریس را تشکیل دادیم، برای به دست آوردن وزن نهایی، سوپرماتریس حاصله را به توان فرد می‌رسانیم و این عملیات به توان رساندن را تا جایی ادامه می‌دهیم که درایه‌های هر سطر با هم برابر شوند و یک عدد واحد را نشان دهند. اعداد حاصله از این ماتریس نشان‌دهنده وزن نهایی هریک از گزینه‌ها و همچنین وزن هریک از شاخص‌ها نسبت به هدف می‌باشد (امیری و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۰).

شکل ۲ مدل نهایی روش تحلیل شبکه‌ای را نشان می‌دهد که گزینه‌ها را جهت اولویت‌بندی مشخص می‌کند. لازم به توضیح است که انتخاب گزینه‌ها نیز بر اساس نظرات خبرگان مشخص شده‌اند، به این صورت که در ابتدا لیستی از کشورهای اولیه مشخص شده و در نهایت با توجه به شاخص‌های انتخاب‌شده حاصل از اقتصاد مقاومتی

جدول ۱، کشورهای جمهوری خلق چین، امارات متحده عربی، عراق، افغانستان، هند، کره جنوبی، فدراسیون روسیه، اتحادیه اروپا، ترکیه، سوریه و ونزولا جهت اولویت بندی نهایی انتخاب شده‌اند.



شکل ۲: مدل نهایی تحقیق جهت اولویت بندی گزینه‌ها

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

با توجه به شاخص‌های ارزیابی اقتصاد مقاومتی می‌توان گفت که کاهش وابستگی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به دولت‌های متخاصم غربی به‌عنوان اولین گام برای جلوگیری از آسیب‌پذیری اقتصادی، افزایش انعطاف‌پذیری اقتصادی، پیشبرد برون‌گرایی، ارتقای توان تولید ملی و توسعه اقتصاد دانش در نظر گرفته شود؛ زیرا نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد، مهم‌ترین شاخص جهت اولویت‌بندی کشورهای مختلف با تأکید بر شاخص ارتقای توان تولید ملی (درون‌زایی اقتصاد) حاصل می‌شود؛ به عبارت دیگر مهم‌ترین شاخص در بین شاخص‌های هشت‌گانه، تأکید بر ارتقای توان تولید ملی است و انتخاب یک کشور در راستای شریک راهبردی باید بر اولویت‌دهی بیشتر به این شاخص باشد.

جدول ۲: ترتیب اهمیت شاخص‌های شناسایی شده در این پژوهش را جهت اولویت‌بندی کشورهای مورد بررسی در بستر اقتصاد مقاومتی نشان می‌دهد.

جدول ۲: اولویت‌بندی شاخص‌ها جهت اولویت‌بندی شرکای راهبردی بر مبنای معیارهای اقتصاد

مقاومتی

وزن‌ها	اولویت‌بندی شاخص‌ها	ردیف
۰/۲۰۱۳	ارتقای توان تولید ملی (درون‌زایی اقتصاد)	۱
۰/۱۸۳۴	افزایش انعطاف‌پذیری اقتصاد	۲
۰/۱۲۳۴	مردمی کردن اقتصاد	۳
۰/۱۲۶۲	توسعه اقتصاد دانش‌بنیان	۴
۰/۱۰۶۴	کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد	۵
۰/۱۰۲۵	پیشبرد برون‌گرایی اقتصاد (توسعه صادرات غیر نفتی)	۶
۰/۰۹۵۳	شفاف‌سازی و سالم‌سازی اقتصاد	۷
۰/۰۶۱۵	توسعه ظرفیت تولید نفت و گاز و تکمیل زنجیره پایین‌دستی و توسعه بازار	۸

بعد از محاسبه میانگین هندسی نظرات خبرگان با استفاده از نرم‌افزار اکسپرت چویس^۱، نسبت به تلفیق پاسخ‌ها و محاسبه وزن‌های نهایی پاسخ‌دهندگان اقدام شد. نتایج نهایی اولویت‌بندی پاسخ‌ها بر مبنای نظرات خبرگان در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳: اولویت‌بندی شرکای تجاری ایران در راستای انتخاب شریک راهبردی

وزن‌ها	اولویت‌بندی کشورها	ردیف
۰/۲۰۲۱	چین	۱
۰/۱۷۸۶	روسیه	۲
۰/۱۳	عراق	۳
۰/۱۵۴	ژاپن	۴
۰/۰۹	هند	۵
۰/۰۸۶	کره جنوبی	۶
۰/۰۸۴	اتحادیه اروپا	۷
۰/۰۵۶	ونزوئلا	۸
۰/۰۱	ترکیه	۹
۰/۰۰۷	سوریه	۱۰
۰/۰۰۲۱	امارات	۱۱
۰/۰۰۰۲	افغانستان	۱۲

نتایج

جدول ۳ نشان می‌دهد که چین، روسیه و عراق با وزن‌های ۰/۲۰۲۱ و ۰/۱۷۸۶ و ۰/۱۳ به ترتیب سه کشور برتر برای شریک راهبردی ایران در بستر اقتصاد مقاومتی هستند.

جمهوری اسلامی ایران به دلیل ماهیت گفتمان انقلاب اسلامی می‌بایست به‌گونه‌ای شریک راهبردی خود را انتخاب کند که از این طریق قادر باشد اقتصاد مقاومتی را در یک روند مستمر و در تعامل پویا با نظام بین‌الملل دنبال کند. بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی و راهبرد اقتصاد مقاومتی، شریک راهبردی جمهوری اسلامی ایران می‌بایست از میان کشورهایی انتخاب شود که از یک سو در تقابل با ایالات متحده آمریکا قرار داشته باشند و از سوی دیگر تعاملات و ارتباطات آن‌ها با جمهوری اسلامی ایران به پروژه‌های نفوذ و اعمال تحریم‌های اقتصادی منجر نشود.

بر این اساس می‌توان گفت که کشورهایی مانند چین و روسیه به دلیل دارا بودن بسترهای اقتصادی و فناورانه قابل توجه می‌توانند به‌عنوان شریک راهبردی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار بگیرند؛ بنابراین بر اساس نتایج این پژوهش که در جدول ۳ ارائه شد، می‌توان گفت جمهوری خلق چین به دلیل روابط سیاسی و دیپلماتیک گسترده با جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به‌عنوان یک بدیل مناسب برای راهبرد اقتصاد مقاومتی در نظر گرفته شود. کشورهای دیگر مانند روسیه و عراق به دلیل عناصر ژئوپلیتیکی و روابط دیپلماتیک و سیاسی با جمهوری اسلامی ایران، می‌توانند بازارهایی را برای اقتصاد مقاومتی فراهم کنند. بر این اساس می‌توان گفت که جمهوری اسلامی ایران به‌منظور عملیاتی کردن اقتصاد مقاومتی باید شریک راهبردی خود را ابتدا از طریق روابط دیپلماتیک و سیاسی انتخاب کند تا با اقدامات قهرآمیز مانند تحریم‌های اقتصادی و سایر موانع مواجه نشود. درنهایت می‌توان نتیجه گرفت که شرکای راهبردی جمهوری اسلامی ایران زمانی می‌توانند در جهت برنامه‌های اقتصاد مقاومتی با جمهوری اسلامی ایران تعامل داشته باشند که هیچ‌گونه اقدام خصمانه‌ای را علیه منافع ملی کشور اتخاذ نکنند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

جمهوری اسلامی ایران برای پیشبرد منافع ملی در چهارچوب راهبرد اقتصاد مقاومتی و اتخاذ کنش راهبردی نیازمند شریک راهبردی در روابط بین‌الملل است. در واقع امنیت هستی‌شناختی جمهوری اسلامی ایران ایجاب می‌کند در گام نخست با در نظر گرفتن مؤلفه‌های هویتی و متناسب با امنیت هستی‌شناختی^۱ خود به انتخاب شریک راهبردی اقدام کند. دولت‌های غربی به رهبری ایالات متحده آمریکا از طریق به چالش کشیدن هویت انقلاب اسلامی در روابط بین‌الملل مانعی برای راهبردهای اقتصاد مقاومتی در نظام بین‌الملل محسوب می‌شوند.

منظور از امنیت هستی‌شناختی جمهوری اسلامی ایران، درک و دریافت مبانی گفتمان انقلاب اسلامی ایران است. هستی‌شناسی این گفتمان مطابق رهنمودهای بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اصول الهی و خدامحوری چهارچوب‌بندی شده است. بر این مبنا در چهارچوب این هستی‌شناسی می‌توان گفت ماهیت روابط بین‌الملل برخلاف گفتمان مادی‌گرای غربی دارای ماهیتی عدالت‌محور و خدامحور است؛ بنابراین بسیاری از راهبردها و اصول سیاست‌گذاری خارجی در جمهوری اسلامی ایران مستخرج از مبانی و مؤلفه‌های هویت‌بخش گفتمان انقلاب اسلامی هستند. با عملیاتی شدن این سیاست‌ها در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، نوعی تنش و تضاد میان گفتمان خدامحور انقلاب اسلامی و گفتمان مادی‌گرای غربی در عرصه روابط بین‌الملل به وجود آمده است و این تنش‌ها همواره یکی از موانع موجود در سایر ابعاد مانند روابط اقتصادی و تجاری بوده است. در واقع برای پیگیری راهبرد اقتصاد مقاومتی در عرصه روابط بین‌الملل نیاز به همکاری‌ها و مبادلات مستمر اقتصادی و فناورانه است و طبیعی است که ایجاد هرگونه وقفه در روابط اقتصادی و تجاری در قالب تحریم‌های اقتصادی و فناورانه از سوی دولت‌های غربی می‌تواند مانعی قابل توجه برای راهبرد اقتصاد مقاومتی تلقی شود. این مبحث بیانگر این مهم است که جمهوری اسلامی ایران برای انتخاب شرکای راهبردی خود

1. Ontological security

در عرصه بین‌المللی و همچنین پیگیری راهبرد اقتصاد مقاومتی به دولت‌هایی توجه کند که خواستار به چالش کشیدن مبانی گفتمانی و هویتی انقلاب اسلامی نیستند. در این صورت جمهوری اسلامی ایران قادر خواهد بود از ظرفیت‌های اقتصادی و فناورانه بین‌المللی در جهت پیگیری راهبرد اقتصاد مقاومتی استفاده لازم و کافی را ببرد.

بنابراین در این پژوهش تلاش شد با توجه به مبانی گفتمان انقلاب اسلامی، از روش پژوهشی تجربی - پیمایشی و نظرسنجی به وسیله پرسش‌نامه از اساتید روابط بین‌الملل و علوم سیاسی در دانشگاه‌های سطح شهرستان تهران در رابطه با شاخص‌های اقتصاد مقاومتی و شرکای راهبردی ایران نظرسنجی شود. این بررسی‌ها به منظور دستیابی به هدف اصلی این پژوهش به منظور یافتن راه‌حلی برای عملیاتی کردن راهبرد اقتصاد مقاومتی در بستر نظام بین‌الملل و همچنین ارائه نوعی اولویت‌بندی از شرکای راهبردی صورت گرفته است. بر مبنای یافته‌های حاصل از این پژوهش، نوعی اولویت‌بندی از شاخص‌های اقتصاد مقاومتی و همچنین شرکای راهبردی ایران در جهت اتخاذ راهبرد اقتصاد مقاومتی ارائه شده است. در این بخش تلاش می‌شود بر اساس این یافته‌های به دست آمده، پیشنهادهایی در سطوح پژوهشی ارائه شود و سپس در سرفصل بعدی به پیشنهادات کاربردی پرداخته شود.

۱. پیشنهاد می‌شود که مطالعاتی در رابطه با کشورهایی مانند چین که توانسته‌اند توان تولید ملی خود را ارتقا دهند، انجام شود تا بتوان از این تجربیات استفاده کرد. در واقع هدف اصلی از این مطالعات، آگاهی از ابعاد و ویژگی‌های سیاست‌های خصوصی‌سازی اقتصادی کشور چین است.

۲. در این پژوهش تلاش شد که به شرکای راهبردی بین‌المللی ایران و اولویت‌بندی شاخص‌های اقتصاد مقاومتی پرداخته شود؛ اما به نظر می‌رسد به پژوهش‌های بیشتری در ابعاد خرد و جزئی‌تر به منظور بررسی بازخورد این مبادلات اقتصادی با شرکای راهبردی اولویت‌بندی شده نیاز است تا از این طریق بتوان در جهت رفع کاستی‌های سیاست‌گذاری موجود برای راهبرد اقتصاد مقاومتی در ابعاد بین‌المللی، اقدامات عملیاتی لازم را اتخاذ کرد.

۳. در نهایت به‌طور کلی برای دستیابی به دیدگاه و چشم‌اندازی جامع به‌منظور درک عملیاتی از شاخص‌های اولویت‌بندی شده اقتصاد مقاومتی نیاز به پژوهش‌هایی گسترده

به منظور استخراج مصادیق (سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات) این شاخص‌ها در کشورهایی مانند چین است.

پیشنهادات سیاست‌گذارانه و کاربردی

در بخش نهایی این پژوهش تلاش می‌شود بر مبنای یافته‌های به‌دست‌آمده از جمله اولویت‌بندی شاخص‌های اقتصاد مقاومتی، پیشنهادهایی با توجه به وزن شاخص‌های مربوطه در حوزه‌های مربوط به سیاست‌گذاری ارائه شود.

۱. در رابطه با شاخص ارتقای توان تولید ملی (درون‌زایی اقتصاد) نیاز است که به زیرساخت‌های تولیدی و صنعتی کشور به‌عنوان مهم‌ترین عامل توجه شود. ارتقای توان تولید ملی تحت تأثیر موارد و رویه‌های مهمی مانند سیاست‌گذاری‌ها، قوانین و نظام بانکی است. در اینجا پیشنهاد می‌شود که همکاری‌های فراگیری میان قوای مقننه و مجریه کشور به منظور اصلاح و ترمیم این رویه‌ها به وجود بیاید. برای مثال اصلاح نظام بانکی در جهت ارائه خدمات مالی به واحدهای تولیدی و صنعتی در داخل کشور، امر مهمی در تقویت زیرساخت‌های تولیدی و صنعتی کشور محسوب می‌شود.

۲. افزایش انعطاف‌پذیری اقتصاد به معنای تطبیق بنیان اقتصادی کشور در شرایط مختلف است. در این مورد نگارندگان این پژوهش پیشنهاد می‌کنند که نوعی راهبرد مدون اقتصادی به منظور فاصله‌گیری از اقتصاد تک‌محصولی تهیه شود و تلاش شود این راهبرد در قوه مجریه در یک روند مستمر اجرایی شود. در اینجا تأکید می‌شود که حتی با تغییر کابینه‌های قوه مجریه، این راهبرد با تغییرات تاکتیکی دنبال شود. در واقع زمانی می‌توان از انعطاف‌پذیری اقتصادی سخن گفت که اقتصاد کشور وابسته به تولید و صادرات نفتی نباشد.

۳. به منظور مردمی کردن اقتصاد می‌بایست روند خصوصی‌سازی در کشور تسریع شود. در روند خصوصی‌سازی ایجاد قوانین کارآمد و جلوگیری از فساد و رانت‌خواری، قوای مقننه و قضائیه می‌بایست اقدامات مؤثری اتخاذ کنند.

۴. برای توسعه اقتصاد دانش‌بنیان می‌بایست ارتباط مستقیمی میان نهادهای دانشگاهی و بخش‌های تولیدی و صنعتی کشور ایجاد شود. همچنین تقویت پارک‌های علم و فناوری نقش مؤثری ایفا می‌کند. پیشنهاد می‌شود طرح‌های پژوهشی دانشگاهی به‌نوعی جهت‌گیری شوند که پاسخگوی نیاز واحدهای اقتصادی باشند. در واقع قوای مقننه و مجریه می‌بایست قوانین و سیاست‌ها را اتخاذ کنند که واحدهای صنعتی و اقتصادی به‌سوی نهادهای دانشگاهی سوق پیدا کنند.

۵. در مورد کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی پیشنهاد می‌شود دستگاه دیپلماسی کشور نوعی دیپلماسی اقتصادی را با شرکای راهبردی ایران دنبال کند تا از این طریق بتوان از تحریم‌های اقتصادی و آسیب رسیدن به اقتصاد کشور جلوگیری کرد.

۶. به‌منظور پیشبرد برون‌گرایی اقتصادی (توسعه صادرات غیرنفتی)، پیشنهاد می‌شود علاوه بر افزایش ظرفیت تولید کالاهای غیرنفتی، به همکاری‌های فراملی در زمینه‌های اقتصادی و صنعتی توجه ویژه شود. این امر نیازمند نوعی دیپلماسی فعال با بسیاری از دولت‌های جنوب شرق آسیا نظیر چین است.

۷. برای شفاف‌سازی اقتصادی می‌بایست قوانینی کارآمد توسط قوه مقننه تصویب شود و بسیاری از دستگاه‌های نظارتی و قضائی در این رابطه سیاست‌های نظارتی مشخصی اعمال کنند.

۸. توسعه ظرفیت تولید نفت و گاز و تکمیل زنجیره پایین‌دستی و توسعه بازار به‌عنوان آخرین اولویت شاخص‌های اقتصاد مقاومتی محسوب می‌شود. پیشنهاد می‌شود در شرایط تحریمی این توسعه از طریق به‌کارگیری سرمایه‌گذاری داخلی دنبال شود و از دیپلماسی فعال به‌منظور توسعه بازارها استفاده شود.

۹. با توجه به اولویت چین و روسیه به‌عنوان شرکای راهبردی جمهوری اسلامی ایران، پیشنهاد می‌شود عضویت کامل ایران در سازمان همکاری شانگهای به‌طور جدی دنبال شود. همکاری‌های اقتصادی در قالب این سازمان بین‌المللی می‌تواند نقش مهمی بر اتخاذ راهبرد اقتصاد مقاومتی در عرصه بین‌المللی داشته باشد.

فهرست منابع و مآخذ

الف. فارسی

- اسفندیاری صفا. خسرو و دهقان. حبیباله (۱۳۹۵)، مولفه‌های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری (حفظه اله تعالی)، *فصلنامه مدیریت نظامی*، ۱۶ (۶۱)، ۶۰-۸۴
- امام‌جمعه‌زاده. جواد و امیرحوشنگ. میرکوشش (۱۳۹۲)، آینده روابط امریکا و چین: همکاری، رقابت، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۱۲ (۹)، ۷۳-۱۱۱.
- مقصود، امیری و دارستانی فراهانی، احمد (۱۳۹۲)، *تصمیم‌گیری با معیارهای چندگانه*، چاپ اول، انتشارات آگاه، تهران.
- ایمانی‌خوش‌خو. محمدحسین، نادعلی پور. زهرا و پورجم. افسانه (۱۳۹۳)، بررسی جایگاه ایران در بین کشورهای اسلامی از منظر شاخص رقابت‌پذیری گردشگری، *اولین همایش بین‌المللی علمی راهبردی توسعه گردشگری جمهوری اسلامی ایران، چالش‌ها و چشم‌اندازها، مشهد، پژوهشگاه گردشگری جهاد دانشگاهی*.
- حسین پور. داود و صدیقی. رامین (۱۳۹۶)، بررسی رابطه مدیریت دانش و مدیریت جهادی با اقتصاد مقاومتی، *مجله مدیریت توسعه و تحول*، ۲۵-۴۱.
- خوانساری. رسول و قلیچ. وهاب (۱۳۹۴)، اولویت بندی عوامل موثر بر تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی با استفاده از روش تاپسیس فازی، *دو فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات مالی اسلامی*، ۱ (۵)، ۹۱-۱۲۰.
- رنجبراردکانی، صمد (۱۳۹۶)، موانع تحقق اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی*، ۱۱ (۳۹)، ۱۴۱-۱۶۰.
- سیبیر. رضاو بهرامی مقدم. سجاد (۱۳۹۴)، تحول سیاست خارجی هند در حوزه جنوب شرقی آسیا، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۱ (۱۸)، ۱۳-۴۳.
- سیف‌اله. مراد و خوشکلام‌خسروشاهی. موسی (۱۳۹۲)، نظام ارزی مطلوب اقتصاد ایران در اقتصاد مقاومتی، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۱۸ (۵۴)، ۱۸۱-۲۰۴.
- شیروی. عبدالحسین و خداپرست. ناصر (۱۳۹۸)، اقتصاد مقاومتی و توسعه پایدار در اسناد بین‌المللی، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۹ (۱)، ۲۷۰-۲۴۹.
- محمدمرادی. اصغر و اخترکاوآن. مهدی (۱۳۸۸)، روش‌شناسی مدل‌های تحلیل تصمیم‌گیری چندمعیاره، *نشریه آرمانشهر*، شماره ۲، ۱۱۳-۱۲۵.
- مرادی. سارا، رضایی. عماد و سلیمانی. حسین (۱۳۹۸)، مروری بر تاثیر تحریم‌های اقتصادی بر تجارت ایران با استفاده از مدل جاذبه، *دومین کنفرانس ملی حسابداری-مدیریت و اقتصاد با رویکرد اشتغال پایدار و نقش آن در رشد صنعت*.
- میراحسنی. منیرالسادات (۱۳۹۲)، شاخص‌های رقابت‌پذیری ایران و برخی کشورهای جهان از منظر مجمع جهانی اقتصاد، *مجله اقتصادی*، شماره‌های ۹ و ۱۰، ۱۰۷-۱۲۸.

- میلانی. جمیل (۱۳۹۴)، اقتصاد مقاومتی و خودباوری ملی، فرصت‌ها و چالش‌های تحقق آن، *مجله اقتصادی*، شماره‌های ۷ و ۸، ۲۲-۵.
- نمایان. فرشید و میر. علی (۱۳۹۶)، ترسیم مدل بومی سرمایه اجتماعی برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی با روش کیفی نظریه داده بنیاد، *نشریه مدیریت سرمایه اجتماعی*، ۱(۱)، ۷۴-۴۵.
- نهادریاست جمهوری (۱۳۹۴)، شاخص‌های ارزیابی برنامه‌های اقتصاد مقاومتی، *سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی*.

ب- انگلیسی

- Acs, Z., Szerb, L., & Autio, E. (2017). *The global entrepreneurship index. In Global Entrepreneurship and Development Index 2016* (pp. 19-38). Springer, Cham.
- Colson, G., & De Bruyn, C. (1989). *Models and methods in multiple objectives decision making. In Models and Methods in Multiple Criteria Decision Making* (pp. 1201-1211). Pergamon.
- Dutta, S., Lanvin, B., & Wunsch-Vincent, S. (2014). *The global innovation index 2014*. WIPO.
- Layne, C. (1997). From preponderance to offshore balancing: America's future grand strategy. *International Security*, 22(1), 86-124.

